

نظریه عقل و فلسفه ابن سینا*

بر طبق نظریه ابن سینا اگرچه عقل بالقوه، بعنوان خصیصه‌ای شخصی در فرد ظهور می‌کند (وازاینرو حادث است) معدنك جوهری غیر مادی و باقی است^۱.

★ این مقاله بخش دیگری است از کتاب Prophecy in Islam نوشته F. Rahman استاد دانشگاه مک‌گیل، که از متن انگلیسی برگردان شده است. بخش اول تحت عنوان نظریه عقل در فلسفه فارابی در شماره قبل به چاپ رسید.

۱- عقل بالقوه چیزی است که حادث می‌شود - رجوع شود به کتاب النجاة (قاهره چاپ ۱۹۳۸) صفحات ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۹۱؛ و در خصوص اینکه آن عقل غیر مادی است و فساد ناپذیر رجوع شود به همان مأخذ صفحات ۱۷۴، ۱۸۲ و ۱۸۵ و همچنین رجوع شود به فصول مربوطه در کتاب شفاء، عدم سازگاری این نظریه با ضابطه بنیانی این فلسفه یعنی اینکه چیزی یا ازلی است و غیر حادث یا حادث است و فانی‌گاه^۲ مشهود است ولی شك نیست، که این نظریه از آن ابن سینا است. نظریه ابن رشد در این خصوص از انسجام بیشتری برخوردار است چه آنکه او می‌گوید عقل بالقوه جوهری غیر حادث است و گرچه آن عقل خود را با یکایک افراد اتصال می‌دهد لکن در واقع برای تمام ابناء آدمی یکی است.

فارابی همانطور که قبلاً دیدیم عقیده دارد که این عقل قوه‌ای فناپذیر و مادی است، مگر آنکه به فعلیت برسد. او بی‌آنکه بگذارد نقاضتی در سخنانش راه یابد، دلیرانه می‌گوید که این عقل بالقوه اگر در کسانی به فعلیت نرسد، با فناء جسم زایل می‌شود. در رساله «المدینه»، صفحه ۶۷، می‌گوید که «نفوس اهل مدینه الجاهله» (یا نگاهل نیافته) همچنان ناقص باقی بقیه حاشیه در صفحه بعد